

خاطرات نورالدین کیانوری

مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۷۱

10

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com



خاطرات نورالدین کیانوری

چاپ اول: ۱۳۷۱

تعداد: ۲۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	پیشگفتار [کیانوری]
	۱. خانواده، نوجوانی و جوانی
۳۳	خانواده و کودکی
۳۸	تظاهرات مسجد شاه
۴۰	آشنایی با کامبخش
۴۶	درباره کامران قزوینی
۵۰	گروه «پنجاه و سه نفر»
۵۴	در دانشکده فنی
۵۶	کامبخش و «پنجاه و سه نفر»
۵۸	تحصیل در آلمان
۶۲	بازگشت به ایران
	۲. از تأسیس حزب توده تا فرار از زندان (۱۳۲۰ - ۱۳۲۹)
۶۷	تأسیس حزب توده
۷۱	عضویت در حزب
۷۴	حزب توده و جبهه ضدفاشیست

۷۹	سازمانهای وابسته به حزب
۸۳	درباره یوسف افتخاری
۸۵	تأسیس سازمان نظامی
۸۷	ارتش شوروی در ایران
۸۹	فاتح و حزب سوسیالیست
۹۱	سیدضیاء و حزب اراده ملی
۹۲	سرلشکر ارفع و حزب او
۹۴	حزب سومکا
۹۵	حزب ایران
۹۷	فراکسیون توده در مجلس چهاردهم
۱۰۰	دولت ساعد و نفت شمال
۱۰۵	«قیام افسران خراسان»
۱۱۰	شوروی و کمک‌های آمریکا
۱۱۲	مارکسیسم و مسئله ملی
۱۱۵	فرقه دمکرات و آذربایجان
۱۲۱	پان ترکیسم و ریشه‌های تاریخی آن
۱۲۷	سرگذشت فرقه
۱۳۴	حزب توده و دولت قوام
۱۴۰	سیمای مظفر فیروز
۱۴۵	انحلال سازمان نظامی
۱۴۹	تروریسم خسرو روزبه
۱۶۴	انشعاب خلیل ملکی
۱۷۸	ماهیت حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷
۱۸۳	کیانوری و ترور شاه
۱۸۹	دادگاه سران حزب توده
۱۹۳	زندان و فرار رهبری
۱۹۶	قتل احمد دهقان
۱۹۹	درباره سپهبد رزم آرا
۲۰۱	مریم فیروز

۲۰۵	زندگی خصوصی
	۳. آغاز نهضت ملی تا خروج از کشور (۱۳۲۹ - ۱۳۳۴)
۲۱۱	جبهه ملی و صعود مصدق
۲۱۷	حزب توده و مصدق
۲۲۷	بقایای، ملکی و حزب زحمتکشان
۲۳۸	سرنوشت گروه ملکی
۲۴۲	۳۰ تیر و پیامدهای آن
۲۴۷	زمینه‌های کودتا
۲۵۱	کاشانی و مصدق
۲۵۵	حادثه نهم اسفند ۱۳۳۱
۲۵۷	قتل افشارطوس
۲۵۹	علل و عوامل کودتا
۲۶۴	کودتای نافرجام ۲۵ مرداد
۲۷۱	ملاقات مصدق و هندرسون
۲۷۵	کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۲۷۹	اشتباهات جبهه ملی
۲۸۱	اشتباهات حزب توده
۲۸۹	اتحاد شوروی و مصدق
۲۹۳	حزب توده پس از کودتا
۳۰۷	اسناد کودتای ۲۸ مرداد
۳۳۵	کشف سازمان نظامی
۳۴۱	فروپاشی سازمان حزب
۳۵۰	بقایای حزب در ایران
	۴. دوران مهاجرت (۱۳۳۴ - ۱۳۵۷)
۳۶۳	ورود به مسکو
۳۶۶	پلنوم چهارم
۳۷۶	آغاز فعالیت در خارج

۳۸۴	وحدت با فرقه دمکرات
۳۹۱	رادمنش و ماجرای حسین یزدی
۳۹۸	کناره گیری کیانوری
۴۰۴	اصلاحات آمریکایی در ایران
۴۱۶	جبهه ملی در دههٔ چهل
۴۲۹	رشد مائوئیسم؛ کنفدراسیون
۴۴۳	ساواک و حزب توده
۴۶۱	گروه های چریکی در ایران
۴۶۸	بازگشت به فعالیت حزبی
۴۷۴	سازمان نوید
۴۷۸	اختلاف با اسکندری
۴۸۸	رهبری حزب توده و انقلاب
	۵. بازگشت به ایران
	(۱۳۵۸ - ۱۳۶۱)
۵۱۱	تجدید فعالیت در ایران
۵۲۳	رهبری حزب پس از انقلاب
۵۴۰	انحلال حزب توده و زمینه های آن
۵۴۹	کشف سازمان مخفی - نظامی
۵۵۶	بقایای حزب توده پس از انحلال
۵۶۵	تصاویر
۶۶۵	فهرست اعلام

مقدمه

برای کسانی که با مسایل سیاسی آشنایی دارند و یا حتی کسانی که از دور نیم نگاهی به آن داشته‌اند نام نورالدین کیانوری نامی، کم و بیش، شناخته شده است.

فعالیت سیاسی کیانوری با شکل‌گیری حزب توده ایران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین تشکلهای جریان چپ در ایران پیوند خورده است. وی در حساسترین مقاطع تاریخ این حزب نقشی استثنایی به عهده داشته و به لحاظ عملکرد سیاسی خویش با مهم‌ترین حوادث تاریخ نیم قرن اخیر پیوندی ناگسستنی دارد. علاوه بر آن، حزبی که وی طی مدت قریب به چهل سال عضو مرکزیت آن بوده است، به عنوان ریشه جریانات چپ در ایران محسوب می‌گردد.

کیانوری - در حزب توده ایران - به عنوان با نفوذترین فرد در جناح معروف به جناح کامبخش (در مقابل جناح رادمنش - اسکندری) قرار داشته و نقش اساسی و غیرقابل انکاری را در رهبری این حزب، در طول حیات سیاسی آن، عهده دار بوده است. وی علاوه بر این نقش علنی و رسمی، با حزب کمونیست شوروی سابق و سرویس‌های اطلاعاتی آن نیز شخصاً روابط خاصی داشته و همواره در طول مدت فعالیت سیاسی خود، چه از طریق مأموریت‌های حزبی و چه به طور انفرادی، به تبادل اخبار و اطلاعات با عناصر حزب کمونیست شوروی سابق و مأمورین اطلاعاتی آن می‌پرداخته است.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی - اسفند ماه ۱۳۵۷ - طی قطعنامه ویژه‌ای تصمیمات اجلاس ۲۳ دیماه ۱۳۵۷ هیئت اجراییه را مبنی بر انتخاب کیانوری به سمت دبیر اول کمیته مرکزی مورد تأیید قرار داد. اتخاذ این تصمیم، بنابر دلایل متقن، با هماهنگی حزب کمونیست

شوروی صورت پذیرفت و مبنای آن، بدون تردید، شرایط سیاسی حاکم بر کشور و اوج گیری و گسترش انقلاب اسلامی ایران بود.

بدین ترتیب، مسئولیت رهبری مستقیم و بلاواسطه حزب توده ایران در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ ایران و در نتیجه بازسازی و هدایت حزب در داخل و خارج کشور و اعمال سیاستهای متخذه بعد از بلنوم شانزدهم و در طی سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۶۱ بر عهده کیانوری قرار گرفت.

به دنبال این انتخاب بود که حزب توده ایران با يك چرخش سیاسی در مواضع و عملکرد علنی، خط دفاع از «مواضع ضد امپریالیستی» حضرت امام (رضوان الله علیه) را در مقابل سایر خطوط موجود در آن برهه، در سرلوحه مواضع سیاسی علنی خود قرار داد. این در حالی بود که بسیاری از صاحب نظران سیاسی اتخاذ این مواضع از سوی حزب توده ایران را امری «تاکتیکی» قلمداد کرده و آن را در چهارچوب مواضع حزب کمونیست شوروی سابق ارزیابی می کردند. اما کیانوری، علیرغم اعترافات سایر رهبران حزب توده ایران مبنی بر غیر صادقانه بودن این خط مشی، کماکان مدعی است که حزب این راه را صادقانه انتخاب کرده و هنوز نیز بر این باور است که این راه می باید ادامه یابد.

«مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه» با انتشار کتاب خاطرات نورالدین کیانوری بر آن است تا بخشی از تاریخ معاصر ایران را، که بیانگر شکل گیری جنبش چپ در ایران بوده و نحوه تأثیرگذاری آن را بر تحولات سیاسی کشور بازگو می نماید، از زبان یکی از برجسته ترین و شناخته شده ترین عناصر این جنبش، یعنی نورالدین کیانوری، در معرض قضاوت خوانندگان و پژوهشگران داخل و خارج قرار دهد.

به گمان ما زمان آن فرا رسیده است که به گونه ای دیگر - چنانکه فراخور حال امروز باشد - به تاریخ بنگریم. این نه بدان معناست که تاریخ را از زبان يك تن یا دو تن بشنویم. تاریخ آنگاه معنی می یابد که انبوهی از گفتنی ها و ناگفتنی ها از دیدگاههای مختلف و در يك فضای سالم و توأم با سعه صدر از سوی مخاطبان بازگو گردد. هم از اینروست که «دیدگاه»، خود را به محققین و اندیشمندان، صاحب نظران دردمند، روشنفکران نگران تاریخ معاصر ایران و در مجموع به همه کسانی متعلق می داند که علاقمند به تحقیق در تاریخ معاصر ایران از دیدگاههای متفاوتند. انتشار این دیدگاهها هدف «دیدگاه» است.

ما با این اعتقاد، خود را مسئول می دانیم و از انتشار نظریات مختلف دفاع می کنیم. بدیهی است در این محدوده، مسئولیت مطالب ارائه شده از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی که «مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه» انتشار آن را عهده دار می گردد بر عهده اشخاص مورد

نظر خواهد بود.

خاطرات نورالدین کیانوری، که اینک در دسترس خوانندگان علاقمند به «خاطره نگاری» قرار دارد، براساس روش مصاحبه تهیه و تنظیم شده و سعی مصاحبه گران بر آن بوده است که گفتگوی مورد نظر تا حد امکان، همه جانبه و پاسخگوی ابهاماتی باشد که نزد پژوهشگران تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت است.

چگونگی استخراج خاطرات و تدوین کتاب حاضر بدین صورت است که در پی آگاهی و اطلاع «مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه» از ابراز تمایل و اعلام آمادگی آقای کیانوری برای انتشار خاطرات، تلاش شد تا امکان مصاحبه های حضوری و مفصل - در خانه محل اقامت مشارالیه و همسرش - فراهم آید. این گفتگوها، که قریب به یکسال (از ۲۶ خرداد ۱۳۷۰ تا ۷ اردیبهشت ۱۳۷۱) در جریان بود، در ۱۰۳ نوار کاست ضبط شده و در بایگانی این مؤسسه موجود است. در طول مصاحبه ها سعی شد تا کتب و مقالات جدیدی که در ارتباط با موضوع بحث در داخل و خارج کشور منتشر می شود در اختیار وی قرار گیرد. در مرحله بعدی با بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی دوران حیات سیاسی کیانوری، ابهامات و سئوالات بسیاری مطرح گردید. این پرسشها مجدداً به همراه متن اصلی جهت پاسخگویی به ایشان داده شد. در طرح این پرسشها، تلاش شد تا حتی المقدور از پرداختن به مباحثی که فاقد ارزش تاریخی است پرهیز شود و از افزایش بی مورد حجم کتاب جلوگیری گردد. ضمناً برخی از پرسشها، که آقای کیانوری از پاسخگویی به آن امتناع نمود، از متن حذف گردید. سرانجام متن تهیه شده برای بازبینی یا حذف و اضافه در اختیار کیانوری قرار گرفت و وی نیز در مواردی اصلاحات مورد نظر خود را انجام داد. در این مرحله نیز گاه نکات جدیدی مطرح و به کتاب افزوده شد. این مطالب در متن با علامت [] و با عنوان «پی نوشت» مشخص شده است.

تشکر و قدردانی:

در اینجا لازم می دانیم از تلاش بی وقفه ویراستار محترم کتاب که دلسوزانه و در کمال صمیمیت تقبل زحمت نموده و مسئولیت تنظیم و ویرایش کتاب را به عهده گرفتند تشکر و قدردانی کنیم. توفیق ایشان را از خداوند متعال خواستاریم.

نکاتی چند در مورد وضعیت و تفکرات کنونی کیانوری

دکتر نورالدین کیانوری پس از گذشت قریب ده سال از بازداشت، با فراز و نشیب هایی که همراه داشته، در حال حاضر ضمن پذیرش مختصر تغییراتی در افکار و دیدگاه های خویش

- که البته بخشی از آن به دلیل مرور زمان و بخش دیگر در اثر تحولات عظیمی است که جریان «چپ» در ایران و جهان دچار آن گردیده - همچنان سعی می‌کند بر سبیل گذشته گام نهد و با غمض عین نسبت به پاره‌ای از واقعیات مسلم، از کنار حوادثی که جغرافیای سیاسی جهان را درنوردیده و می‌رود تا دنیا را دگرگون سازد، عمداً عبور نماید.

کیانوری، علیرغم تلاشی حزب توده ایران و فروپاشی مارکسیسم و اتحاد جماهیر شوروی سابق، همچنان از عملکرد حزب توده ایران و حزب کمونیست شوروی سابق دفاع می‌کند و بر این باور است که هر چند این دو حزب اشتباهاتی داشته‌اند و انتقاداتی به آنان وارد است ولی در مجموع کارنامه‌ای درخشان و پرافتخار دارند. وی معتقد است انقلاب اکبر، انقلابی اصیل و مردمی بوده و دستاوردهای عظیمی را از لحاظ علمی، فنی، سیاسی و فرهنگی برای شوروی و بشریت به ارمغان آورده و از این حیث قابل تقدیر و ستایش است. همچنین، وی مدعی است که انقلاب مارکسیستی در شوروی سابق هدفی جز نجات توده‌های زحمتکش از یوغ استعمار و استثمار سرمایه‌داری جهانی نداشته و فروپاشی را نیز فروپاشی شوروی می‌داند و نه فروپاشی مارکسیسم. مشارالیه مدعی است که کمونیست‌ها در شوروی مانند آتش در زیر خاکسترند و با وزش نسیمی خود را نشان داده و دیری نخواهد پایید که دوباره در شوروی به قدرت خواهند رسید.

کیانوری حرکت گورباچف را خیانت‌بار معرفی کرده و آن را در جهت منافع سرمایه‌داری ارزیابی می‌کند. وی در مورد یلتسین پا را از این فراتر گذارده و نامبرده را عامل امپریالیسم می‌داند. او معتقد است که یلتسین در اوت ۱۹۹۱ با استفاده از پایگاه‌های C. I. A و ماهواره‌های جاسوسی آمریکا و هدایت آنها علیه غولهای کمونیست دست به کودتا زد. بنابراین، آقای کیانوری حکومت یلتسین را حکومت کودتا معرفی می‌کند.

کیانوری از کارنامه حزب توده ایران، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان يك سرمایه‌پرافتخار یاد کرده و خط مشی علنی حزب بعد از انقلاب اسلامی، مبنی بر حمایت از خط ضد امپریالیستی حضرت امام (رضوان الله علیه)، را نیز تأیید می‌کند. وی معتقد است که حزب توده جریان سالمی در تاریخ معاصر ایران تلقی می‌شود و در مقاطع حساس و مختلف تاریخی نیز خدماتی به کشور نموده است.

با وجود اینکه کیانوری از تحولات گسترده‌ای که در جهان کمونیسم و بالطبع در جنبش چپ ایران به وقوع پیوسته بی‌اطلاع نیست ولی باز علاقمند است که همچنان در فضای گذشته تنفس کند و به نظر می‌رسد که تا حدودی اسیر گذشته خویش است. دفاع از حزب توده ایران و حزب کمونیست شوروی سابق توسط وی، در حقیقت دفاع از شخصیت، عملکرد و گذشته

خود است. اما جالب این است که وی در مواردی، آنچه را که رهبران احزاب و دولت‌های کمونیست جهان به عنوان اشتباهات و انحرافات فکری و حزبی خویش مطرح کرده‌اند، برخلاف نظر خود آنها و علیرغم اعترافات آنان، به عنوان امور مثبت و قابل دفاع ارزیابی می‌کند و قول و قضاوت آنها را در مورد خودشان نیز نمی‌پذیرد.

کیانوری مدعی است موضع وی نسبت به نظام جمهوری اسلامی در حال حاضر همان موضع قبل از بازداشت یعنی «سیاست اتحاد و انتقاد» است، ضمن آنکه معتقد است گرایش کلی نظام در گذشته به طرف سوسیالیسم بوده ولی در حال حاضر به سمت سرمایه‌داری پیش می‌رود.

به هر حال، قضاوتها در مورد عملکرد کیانوری متفاوت است. هر کس متأثر از نظرگاه‌های خود به جمع‌بندی آن پرداخته و می‌پردازد. اما صرف‌نظر از جنبه‌های مثبت و منفی، چه از نقطه نظر شخصی و چه از نقطه نظر سیاسی، وی حامل انبوهی از خاطرات، سرگذشت‌ها، وقایع تاریخی و... طی چند دهه از تاریخ این سرزمین است. خاطراتی که هیچ محققى نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از آن بداند. مطالعه این کتاب مؤید این ادعا خواهد بود. در پایان لازم است از مسئولین و کارکنان مؤسسه اطلاعات، که در چاپ و نشر این اثر ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی کنیم.

مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه

تهران - صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۳۸۶

www.KetabFarsi.com

نورالدین کیانوری، فرزند شیخ مهدی نوری و نوه شیخ فضل الله نوری،
در سال ۱۲۹۴ شمسی متولد شد.

تحصیلات متوسطه را در تهران و در مدرسه دارالفنون در سال
۱۳۱۳ به پایان رسانید. در همان سال وارد دانشکده فنی شد. یک سال در
دانشکده فنی درس خواند و سپس برای ادامه تحصیل راهی آلمان شد. در
سال ۱۳۱۴ در شهر آخن وارد دانشگاه فنی شد و در رشته ساختمان و
معماری تحصیلات خود را به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۹ به ایران
بازگشت.

در سال ۱۳۲۱ رسماً وارد حزب توده ایران شد (در زمان تأسیس حزب
توده در مهرماه ۱۳۲۰ وی به خدمت نظام وظیفه مشغول بود و نمی توانست
رسماً وارد حزب شود).

در سال ۱۳۲۳ به عضویت کمیسیون تفتیش حزب درآمد و در سال
۱۳۲۶ به دنبال برگزاری کنگره دوم حزب به عنوان عضو کمیته مرکزی و
عضو هیئت اجرائیه انتخاب گردید.

در سال ۱۳۲۷ به دنبال ترور ناقربام محمدرضا شاه معدوم دستگیر و
زندانی شد. در سال ۱۳۲۹ از زندان گریخت و تا سال ۱۳۳۴ مخفیانه در ایران
زندگی کرد و در همان سال به شوروی سابق رفت. پس از دو سال اقامت در
شوروی سابق در سال ۱۳۳۶ راهی جمهوری دموکراتیک آلمان گردید.

در سال ۱۳۴۲ به دنبال اختلافاتی که در رهبری حزب توده ایران بروز
کرد، علیرغم میل خود، از کار حزبی کناره گرفت و در رشته تخصصی خود
در آکادمی ساختمان در برلین مشغول فعالیت شد.

در سال ۱۳۵۱ مجدداً به فعالیت حزبی بازگشت و تا سال ۱۳۵۶ سمت
دبیر دومی حزب را به عهده داشت.

در سال ۱۳۵۷ به عنوان دبیر اول حزب انتخاب شد. در اردیبهشت
ماه ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و تا زمان بازداشت و انحلال حزب در این سمت
باقی ماند.

www.KetabFarsi.com

پیشگفتار

اولین پرسشی که برای خوانندگان مطرح خواهد شد به دید من این خواهد بود که چرا کیانوری پس از این همه سال به نوشتن خاطرات خود پرداخته است؟ پرسش کاملاً به جا و درستی است و نباید بدون پاسخ بماند.

پاسخ چنین است: درباره هیچ سازمان سیاسی از آغاز انقلاب مشروطیت تاکنون این اندازه نوشته انتقادی، چه بصورت جزوه‌های کوچک مقطعی درباره بخشی از فعالیت حزب توده ایران و چه بصورت کتابهای پر حجم، که در برگیرنده تمام عملکرد نه تنها حزب توده ایران، بلکه پدرش، حزب کمونیست ایران در دو دوره موجودیتش، می‌باشد و به صورت «خاطرات» افراد گوناگون ایرانی و بیگانه، منتشر نشده است. در این ارتباط این پرسش مطرح می‌شود که چرا؟ پاسخ به این پرسش چنین است:

۱- در میان دهها حزب و سازمان سیاسی رنگارنگ که از آغاز انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۶۱ در کشورمان به وجود آمدند، هیچکدام با چنین عمر دراز آکنده از رویدادهای بسیار با اهمیت نبوده است.

۲- تأثیر هیچکدام از سازمانهای سیاسی این دوران دراز، در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور، به اندازه تأثیر حزب توده ایران نبوده است. اکنون کمی این ویژگیها را می‌شکافیم:

حزب توده ایران و سلف آن حزب کمونیست ایران از چهار دوره بسیار با اهمیت تاریخ کشورمان که بیشترشان با رویدادهای بسیار با اهمیت جهانی در ارتباط بوده‌اند، با درد ورنج و

هر بار با دادن تلفاتی سنگین تر از بار گذشته گذشته است. این چهار دوره چنین است: یکم - اوجگیری مبارزات انقلابی در ایران همزمان با پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در روسیه تزاری: رستاخیز مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی، قیام مردم گیلان به رهبری میرزا کوچک خان، قیام هنگ ژاندارمری خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان، تغییر اجباری سیاست انگلستان از ایران - از تحمیل پیمان اسارت بار ۱۹۱۹ به بروی کار آوردن دیکتاتوری نظامی با کودتای سیدضیاء و رضاخان در اسفند ۱۲۹۹، که آماجش سرکوب جنبش‌های انقلابی و ایجاد يك رژیم ضد کمونیست دست نشانده میان اتحاد شوروی و هندوستان [بود].

دوم - سرنگون شدن رژیم دیکتاتوری بیست ساله رضاخان همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی و در ارتباط مستقیم با آن - اشغال ایران بوسیله ارتشهای متفقین (اتحاد ضد فاشیستی، اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا و انگلستان)، اوجگیری مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه در ایران، گسترش نهضت‌های آذربایجان و کردستان، شکست آن نهضت‌ها و پیامدهای آن شکست.

سوم - نهضت بزرگ و تاریخی ملی کردن صنایع نفت به رهبری دکتر محمد مصدق، پیشرفتهای نهضت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیامدهای بسیار سنگین و دردناک آن، تثبیت رژیم دیکتاتوری و دست نشانده و وابسته به امپریالیسم جهانی در کشورمان.

چهارم - فروپاشی رژیم سی ساله پسر رضاخان و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آغاز يك دوران کاملاً نوین در زندگانی سیاسی و اجتماعی کشورمان.

در تمام این مدت دراز از ۱۲۹۸ تا ۱۳۶۱، در سالهای آغازین، حزب کمونیست ایران و پس از آن حزب توده ایران در مبارزات سیاسی و اجتماعی کشورمان فعالانه شرکت داشته‌اند، گاه به طور علنی با فعالیت دامنه‌دار، گاه بصورت مخفی و گاه در زندان‌ها.

در این دوران دراز حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران تأثیر به‌سزائی در زندگی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشورمان داشته‌اند. تردیدی نیست که گذار حزب از این راه بفرنج با درگیری با سیاستهای بزرگ جهانی، آنهم بدون داشتن تجربه بسنده، نمی‌توانست با اشتباههای کوچک و بزرگ همراه نباشد.

ولی علی‌رغم اشتباهات بی‌انصافی است اگر خدمات حزب توده ایران را در گردآوردن و آموزش و تجهیز توده‌های زحمتکش کشورمان، از راه تشکیل اتحادیه‌های کارگری و دهقانی و سازمانهای توده‌ای زنان، جوانان، دانشجویان و اتحادیه‌های نویسندگان و آموزگاران و... به فراموشی بسپاریم.

با تشکیل و رهبری این گونه سازمانها، حزب توده ایران به زحمتکشان یدی و فکری و به اقشار گوناگون اجتماعی آموخت که چگونه با کار و مبارزه دسته جمعی می توانند به حقوق حقه خود دست یابند. در زمینه فرهنگی حزب توده ایران يك نسل برجسته از نویسندگان، سرایندگان و هنرمندان تربیت کرد و به جامعه تحویل داد.

متأسفانه انتقاد کنندگان نه تنها همه این خدمات حزب توده ایران را نادیده می گیرند، بلکه این واقعیت سیاسی را که حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی است که چهره کریه و جنایت بار فاشیسم آلمان و ماهیت راستین امپریالیسم جهانخوار آمریکا را، که حتی مبارزترین ملی گرایان ایران آن را «فرشته آزادی» و هوادار استقلال خلق های محروم می دانستند، به مردم ایران شناساند، به فراموشی می سپارند.

انتقاد کنندگان این واقعیت را هم به فراموشی می سپارند که هیچ سازمان سیاسی دیگر پیش از آغاز جنبش انقلابی اسلامی ایران، به اندازه حزب توده ایران نتوانست برای نشان دادن جنایات، خیانتها و توطئه های ضد ملی هیئت حاکمه ایران افشاگری نماید.

کاش انتقاد کنندگان تنها اشتباهات حزب توده ایران را مورد سخت ترین انتقاد قرار می دادند. ولی این جور نیست. همه نوشته های کوچک و بزرگ انتقادی که من تاکنون دیده ام، تا آنجا اشتباهات را با انبوهی، دروغ، تهمت بهم آمیخته اند که اشتباهات در نوشته هایشان گم شده است.

پیش از غیر قانونی شدن حزب توده ایران در بهمن ۱۳۶۱، معدودی از این انتقادات مطرح شده بود و حزب هم در نشریات خود به تفصیل نادرست را از درست سوا کرده، اشتباهات را پذیرا شده و دروغ ها و تهمت ها را پاسخ داده بود.

ولی از آنجائیکه پاسخ هائیکه تا بهمن ۱۳۶۱ حزب داده بود با غیر قانونی شدن آن، از دسترس علاقمندان دور شد لازم بود که اگر امکان آن پیدا شود به این اتهامات که پشت سر هم، از نو، نه تنها از سوی انتقاد کنندگان ناآگاه، بلکه از سوی بدخواهان تکرار شده و می شود پاسخ جامعی داده شود.

به همین منظور من پیشنهاد کسانی را که خواستار آن بودند که در کنار انبوه به «اصطلاح» انتقادات، نظر آخرین فرد بازمانده از رهبری پنجاه سال گذشته حزب توده ایران را برای نگاهداری در تاریخ بدانند پذیرفتم و آماده برای يك گفت و شنود گردیدم. در این گفت و شنود من کوشیده ام عملکرد حزب را از آغاز تأسیس در مهر ماه ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۶۱ مورد يك بررسی و بازنگری انتقادی قرار دهم.

در این مجموعه که در دو جلد در اختیار خوانندگان علاقمند قرار خواهد گرفت، جلد

اول بخش‌های زیر است: بخش اول، مختصری درباره زندگی کودکی و جوانی و دوران تحصیلی‌ام تا زمان ورود به حزب توده ایران. بخش دوم، عملکرد حزب توده ایران از آغاز تأسیس تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ یعنی تا غیرقانونی شدن حزب در ارتباط با تیراندازی به شاه معدوم در دانشگاه تهران. بخش سوم، از بهمن ۱۳۲۷ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. بخش چهارم از کودتای ۲۸ مرداد تا رفتن به مهاجرت در پایان سال ۱۳۳۴.

در جلد دوم عملکرد حزب در مهاجرت و بازگشت به میهن پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فعالیت حزب از آغاز سال ۱۳۵۸ تا بهمن ۱۳۶۱ مورد بحث قرار گرفته است.*
و اما درباره نوشته‌های به اصطلاح «انتقادی»:

انتقاد کنندگان به حزب توده ایران به چند گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول - فراریان از حزب.

این یک پدیده کاملاً عادی است که پس از شکست و ناکامی یک سازمان سیاسی و بویژه پس از ناکامیهای بزرگ و آغاز دشواری‌ها و خطرهای، شماری و گاه شمار زیادی از افراد عضو آن سازمان که تحمل دشواری و خطر را ندارند از آن سازمان رو بتابند. برخی از این افراد برای توجیه فرار و ترس خود می‌کوشند عملکرد حزب و یا سازمان مربوطه را مورد «انتقاد» قرار دهند و در این راستا «از گاه‌ها کوه‌ها» می‌سازند و هر چه دلشان می‌خواهد به آن می‌افزایند. حزب توده ایران در دوران زندگی خود چهار بار با شکست و ناکامی روبرو شده و هر بار این پدیده فرار را دیده است. بار اول در آذر ۱۳۲۵ پس از شکست نهضت آذربایجان و کردستان، بار دوم در بهمن ماه ۱۳۲۷، بار سوم در ارتباط با کودتای ۲۸ مرداد و بار چهارم در بهمن ماه ۱۳۶۱. گروه دوم شامل افراد بی‌گناه و ناآگاهی می‌شود مانند حسن ضیاء ظریفی، «چریک فدائی» از گروه بیژن جزینی که همراه با سایر یاران‌شان بدست دژخیمان ساواک کشته شدند. این افراد با اطلاعات ناچیزی که از رویدادها دارند، بیشتر با تکرار بدگوئیهای دیگران به خود اجازه می‌دهند، عملکرد حزب توده ایران را یک سره لجن مال کنند.

گروه سوم شامل دشمنان سوگند خورده حزب توده ایران می‌شود مانند دکتر مظفر بقائی و اعضاء «حزب زحمتکشان» او چون دکتر جلال‌الدین مدنی و دکتر حسن آیت. درباره دکتر آیت باید بیفزایم که او در عین داشتن صداقت به انقلاب اسلامی، گول مظفر بقائی را خورده بود و نظریات او را درباره رویدادهای سالهای ۱۳۲۸ - ۱۳۴۲ بازتاب می‌داد.

گروه چهارم - شامل کسانی مانند «دکتر سنجابی» و همانندان او است. این افراد که

* طبق طرح اولیه، کتاب حاضر می‌بایست در دو جلد منتشر می‌شد. در مراحل فنی کار، به علت عدم توازن صفحات هر جلد، تصمیم گرفته شد که کتاب در یک مجلد در اختیار خوانندگان ارجمند قرار گیرد (ناشر).

خود و گروهشان در این یا آن شکست بطور مؤثر دخالت داشته‌اند، برای فرار از مسئولیت سنگین خود به لجن‌پراکنی علیه حزب توده ایران دست می‌زنند.

گروه پنجم - شامل «محققین» مدعی «بررسی عمیق تاریخی» است. نمونه بسیار جالب توجه کار این گروه، اثری است که اخیراً به نام «سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی» چاپ و منتشر شده است. تهیه‌کنندگان این اثر نام «بلند آوازه» «مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی» را برای خود برگزیده‌اند.

گروه ششم - شامل سازمانهای اطلاعاتی امپریالیستی یعنی دشمنان سوگند خورده مبارزات ملی و مردمی کشورهایی مانند کشور ما می‌شود. این سازمانها که حزب توده ایران را یکی از دشمنان آشتی ناپذیر خود می‌دانند، بیشتر در سر بزنک‌هاها «اثر درخشانی» افشاگرانه (۱) بطور مستقیم و به نام خود و یا غیر مستقیم به نام فرد دیگری منتشر ساخته‌اند.

آخرین اثر از این گونه «نوشته کوزیچکین» افسر خائن و فراری سازمان امنیت شوروی است که به انگلستان پناه برد. این اثر که زیر نظر سازمانهای اطلاعاتی انگلیس و آمریکا یعنی «ام - آی - ۶» و «سیا» تهیه شده و از صافی‌های غبارروب آنها گذشته است، چندی پیش یعنی نزدیک به ده سال پس از فرار نامبرده منتشر گردید. در این «اثر» مانند نمونه‌های دیگر یک «ملاقه شیر را با چند سطل آب گل آلود» درهم آمیخته شده است و به منتظران اتهام و بدگونی به حزب توده ایران عرضه داشته شده است. میان نوشته‌های این گروه‌ها تا آنجا که من تاکنون آشنائی پیدا کرده‌ام نوشته‌های فراریان و وازدگان از حزب توده ایران بیشترین شماره را دارا می‌باشند. این دسته با نوشته‌های منشعبین از حزب در سال ۱۳۲۶ به رهبری خلیلی ملکی آغاز و با نوشته افراد ناشناخته‌ای زیر نام «گذشته چراغ راه آینده» و پس از آن با نوشته‌های «فریدون کشاورز» (من متهم می‌کنم)، خاطرات «ایرج اسکندری»، خاطرات «انور خامه‌ای» و چند «اثر» دیگر دنبال شده و با «کژراهه» احسان طبری و نوشته‌های «مهدی پرتوی» پایان می‌پذیرد. ولی البته این پایان قطعی نیست. این روند باز هم دنباله خواهد داشت. در نوشته‌ای که به خوانندگان گرامی تقدیم می‌دارم تا اندازه‌ای به دروغ‌ها و اتهامات ناجوانمردانه و تحریف‌های این «آثار» پاسخ داده شده است. اما به دید من بسنده نیست و ضرورت دارد که در جزوه ویژه‌ای این دروغ‌ها کالبدشکافی شود.

امیدوارم در آینده نه چندان دور، اگر زندگی وفا کند، این کار را انجام دهم.

با امید تندرستی و کامیابی برای علاقمندان

کیانوری

آبان ماه ۱۳۷۱

- پیشگفتار *

دوین پرسشی که برای خوانندگان مطرح خواهد شد به درین من این خواهد بود که چرا
کی‌بزی پس از این همه سال به نوشتن خاطرات خود پرداخته است ؟ پرسش کاملاً
به جا و درستی است و نباید بدون پاسخ بماند.

پایخ چنین است : در باره هیچ سال از آن زمان که انقلاب مشروطیت تاکنون این
اندازه نداشتند انتقادی وجه بصورت جزوه های کوچک مقطعی در باره جنبش از فعالیت
حزب لادّه ایران وجه بصورت کتابهای پر حجم ، که در برگیرنده تمام مملکت و نه تنها حزب
لادّه ایران ، بلکه پدرش ، حزب کمونیست ایران در دوره موجودیتش ، می باشد و
بصورت "خاطرات" افزار گوناگون ایرانی و بیگانه ، منتشر شده است . در این ارتباط
این پرسش مطرح می شود که چرا ؟ پاسخ به این پرسش چنین است :

۱- در میان همهها حزب و سالان سیاسی رنقارنگ که از آغاز انقلاب مشروطیت
تا سال ۱۳۶۱ در کشور، ظهور و وجود آمدند ، هیچکدام با چنین عمر دراز آنگند، از رویدادهای
مسیار با اهمیت نبودند .

* دستنوشته دکتر نورالدین کیانوری که در صفحات ۱۷ - ۲۱ به چاپ رسیده است.

۲- تأثیر هیچکدام از سازمانهای سیاسی این دوران دراز، در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور، به اندازه تأثیر حزب کردها ایران نبوده است.

اکنون کمی این دریاها را با هم نگاه کنیم:

حزب کردها ایران و سلف آن حزب کمونیست ایران از چهار دوره بسیار با اهمیت تاریخ کشورمان که بیشتر آن با رویدادهای بسیار با اهمیت جهانی در ارتباط بوده اند، با درگیری و دربار و دادن مقامی سنگین تر از بار گذشته است.

این چهار دوره چنین است:

یکم - اوچکیری مبارزات انقلابی در ایران همزمان با پیروزی انقلاب کبیر اکبر در روسیه تزاری؛ رضاخیز مردم تبریز به رهبری شیخ محمدصیادبانی، قیام مردم گیلان به رهبری میرزا کدخدا خان، قیام هنگر ازادگری خراسان به رهبری کدخدا محمدتقی خان بسین، تغییر اجباری سیاست انقلابی ایران - از سبیل سپان است به سرودی کار آوردن دیکتاتوری نظامی با کودتای سعیدصیاد و رضاخان در اسفند ۱۲۹۹، که آماجبت سرکوب جنبش های انقلابی و ایام دلبازیم ضدگومبیت دست نشانده میان اتحادشودکی و هندوستان

دوم - سرنگون شدن رژیم دیکتاتوری بعیت شاه رضاخان همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی و در ارتباط استقیم با آن - اشغال ایران به وسیله ارتشهای متفقین (اتحاد ضدفاشیستی، اتحاد شوروی ایالات متحده آمریکا و انگلستان)، اوچکیری مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه در ایران، گسترش نفوذ های آرزوخواهانه و کوردستان، شکست آن نفوذ؛ و پدید آمدن آن نفوذ.

سوم - نفوذ بزرگ دتارین پس کرون منابع نفوذ به رهبری دکتر محمد مصدق، پیشرانه های نفوذ، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۵۲ و پدید آمدن بسیار سنگین و دردناک آن - تثبیت رژیم دیکتاتوری و

دست فتنه و وابسته به اسپر و بیسم جهانی در کشورمان.

چهارم - مزد پیشی رژیم سی ساله پسر رضا خان و پسر زنی انقلاب اسلامی ایران و آغاز زلزله ایران
کاملاً فزاین در زلزله جهانی سیاسی و اجتماعی کشورمان.

در تمام این مدت دراز از ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۱، در حالی که ازین، حزب کمونیست ایران پس از آن
حزب توده ایران در برزات سیاسی و اجتماعی کشورمان همانند شرکت داشته اند، گاه به طور موقتی
به نسبت دامنه دار، گاه بصورت موقتی و گاه در زندان ها.

در این دوران دراز حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران تاثير به سزائی در زلزله سیاسی و اجتماعی و
فرهنگی کشورمان داشته اند. تا مدتی مینت که گذار حزب از این راه بعضی با درگیری با سوسیالیستی
بزرگ جهانی، آنها بدون داشتن تجربه بسنده، همانند با استنباطهای کوچک و بزرگ
مراه نباشند.

ولی مبنی بر این استنباطات می توان گفت اگر حدمات حزب توده ایران را در گرد آوردن و
آموزش و تجزیه و تحلیل سیاسی و اجتماعی کشورمان، از راه تشکیل انجمن های کارگری و دهقانان
در دهانهای توده های زمان، جوانان، دانشجویان، و سایرین بر روی زمینهای و اموزگاران و ...
را به فراموشی سپاریم

به تشکیل و اسپر این گونه سازمانها، حزب توده ایران به راحتی می تواند در سبقت
اجتهای آنوقت که میگذرد با کار و سبب زلزله دستهای می تواند به عنوان همه اعلا دست یافته
در زمینه فرهنگی حزب توده ایران یک نسبی بر حیطه روز نشیندگان، ادراکات و هنرمندان
ترجیح کرده و به جامعه مکتوبی داده.

سازمانه و متفاد کسب گان نه تنها همه این حدمات حزب توده ایران را نادیده
می گیرند، بلکه دین و اصنیت سیاسی را که حزب توده ایران بعبانه س زمان سیاسی است
که چهره کریم و جنابیت بر فائیم آلمان و اهمیت را ستن اسپر بیسم جهان را امر تقابلاً
که حتی سبب زلزله می گردان ایران آنرا فرشته زراحی و مواد را استقلال خلق بی

مردم می‌دانستند، به سرجم ایران نشاندند، به فراموشی می‌سپارند.
 افتادگندگی این واقعیت ما به فراموشی می‌سپارند که هیچ مردمان بسیار دیگر
 پیش از آنها زحمت افتادگی اسکان ایران، به اندازۀ حزب توده ایران نداشتند
 برای شکر دادن حبه است، حبه است، در توطئه های ضد ملی مهت حاکم ایران افشنگی
 مانده.

حاشا افتادگندگی تنها استیفات حزب توده ایران را مورد کت ترین افتاد
 قرار می‌دادند، ولی این بدین نیست. همه نوشته های که یک و بزرگ افتادگی که
 من تاکنون دیده ام، تا آنجا استیفات را، با انبوهی، دروغ، کتت بهم آینه اند
 که استیفات در گذشته، به ن گم نشد است.

پیش از غیر قاضی شدن حزب توده ایران در بهمن ۱۳۵۱، سه دوی از این افتاد
 مطرح شده بود و حزب هم در توتوت خود به تعقیل نادرست را از دست لو کرده،
 استیفات را به زیر آورنده در دروغ با دست و پای خ داد بود.

ولی از آنجا بنگه پای خ با بنگه تا بهمن ۱۳۵۱ حزب داده بود با غیر قاضی شدن اسن، از
 دستش عمل صندان دور شده بود که اثر اسکان آن پیدا شود به این انتهات
 که بیست سرجم، از فر، نه تنها از سوی افتادگندگی نا آگاه، بلکه از سوی خبر ایران
 تکرار شده و می‌شود، پای خ حاکمی داده شود.

به همین متطرد من پیشینادک فی را که خداستار آن بودند، که در کنار آمده به اصطلاح
 انتادات نظر آخرین زد، بازمانده، در هر بهی بنام سال گذشته حزب توده ایران
 بودر نقاب اسی در تاریخ بدانند پذیرفتیم داناده برای یک کتت و شنود گرامیم.

در این گفت و شنود من که سید امام مکه‌گرد حزب را از آغاز تا پانزدهم شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۱ مورد یک بررسی و بازنگری انتقادی قرار دهم.

در این مجلد که در دو جلد در اختیار خوانندگان علاقه‌مند قرار خواهد گرفت، جلد اول بحسب بای زبیر است: بحسب اول، مستقیمی در دوره زندگی کودکی و جوانی و دوران تبعیدنامه تا زمان ورود به حزب، دوره ایران، بحسب دوم، مکه‌گرد حزب دوره ایران از آغاز تا پانزدهم شهریور ۱۳۲۷ یعنی تا هجرت فزنی شدن حزب در ارباب با تیراندازی به شاه، معلوم در دانشگاه تهران، بحسب سوم از بهمن ۱۳۲۷ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بحسب چهارم از کودتای ۲۸ مرداد تا رفتن به مهاجرت در پانزدهم شهریور ۱۳۳۲.

در جلد دوم مکه‌گرد حزب در مهاجرت و بازگشت به بهمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نهایت حزب از آغاز سال ۱۳۵۸ تا بهمن ۱۳۶۱ مورد یک قرار گرفته است. و اما در باره گذشته ای به اصطلاح انتقادی:

انتقاد کنندگان به حزب دوره ایران به چند گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول - فرزندان از حزب.

این یک پدیده خاص اتحادیه‌ای است که پس از شکست دناگامی یک سازمان سیاسی و به ویژه پس از ناخوابگی‌های بزرگ و آغاز دستگیری‌ها و حفظ با، ستاری و گام، ستار زبیدی از افراد معتقد آن زمان که تحمل دستگیری و حفظ را ندارند از آن زمان رو بجا بند. برخی از این افراد برای توجیه هزار دگرسی‌ها می‌گویند مکه‌گرد حزب در آن زمان در حقیقت را مورد انتقاد قرار دهند و در این راستا از کا. با. کو. با. می‌سازند و هر چه در آن می‌خوانند به آن می‌افزایند، حزب دوره ایران در دوران زندگی حزب چهار بار به شکست

در فکاهی روپوشند. و بر بار این پدیدۀ فرار را دیده است. برادل در آذر ۱۳۲۵
 پس از شکت سقنت آذر به بیان دگرگشتن، بر دوم در بهمن، ۱۳۲۲، بر سوم در
 ارتقا با کدوسی ۲۸ مرداد و بر چهارم در بهمن، ۱۳۶۱
 گروه دوم. شامل افراد بی گناه، و نا آگاهی می شود، مانند حسن ضیاء و عزیزین، "چو یک ندانی"
 از گروه بیان جزئی که همراه با سایر دوستان بدست در جهان سواکت گشته اند.
 این افراد با اطمینان ناچیزی که از دیدارم دارند، بیشتر با تفرار به گدایی و بیژان
 به خدا اجازه می ریزند، عملکرد حزب توده ایران را یک سره سمن می کنند
 گروه سوم شامل دشمنان سوگند خورده حزب توده ایران می شود، مانند دکتر منظرگانی
 و اصفا و حزب زحمتان "اد چون دکتر جدی الدین مدنی و دکتر حسن آیت، در بر
 دکتر آیت بایر بیفزایم که او در همین روشنی صداقت به انصاف اسلامی، گوی منظرگانی را
 محدود بود و تقریباً در اردیبهشت ۱۳۲۵، در اردیبهشت ۱۳۲۵، بر تاب می داد.
 گروه چهارم - شامل کسانی، مانند دکتر سنجابی "و بهمانند او است. در این افراد
 که خود دگرگشتن در این میان شکت به طور مستقیم در دست دارند، بودی فرار از
 مسئولیت سنگین خود به زمین پراکنی همی حزب توده ایران دست می زنند.
 گروه پنجم - شامل مسخین مدعی بررسی محقق تاریخی است. مانند بسیار صاحب قلم
 که این گروه را اثری است که اخیراً به نام "سیاست دستان حزب توده از آغاز تا
 فریبش" چاپ و منتشر شده است. تهیه کنندگان این اثر نام بلند او از
 "موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی" را برای خود برگزیده اند.
 گروه ششم - شامل سازه های اصلی بدنی است که بدنی بدنی دگرگند خورده

مبارزات می و مردمی گذر پائی ، مانند گذر ، می سوزد . این سالها که حزب دوده
ایران را کمی روز دست ن آشتی ناپذیر خرد میباشند ، بدین در سر بزرگها آتش
درختانی آفت گرانه (۱) بسیار مستقیم در نام خود و به نیز مستقیم به نام فرد دیگری
منتشر شده اند .

آخرین اثر در این گونه " گذشته " که زبیکین " اندر حاشی و فراری سال زمان اینست
مردمی است که به انگلستان پیاده شد . این اثر که زیر نظر سالیانی اصل است انگلیس
و امریکایی یعنی ام - آی - سی و تریه تهیه شده . و از حاشی باری بسیار در رب آنها گذشته
است . حاشی پس یعنی نزدیک به در سال پس از خوارنایدود منتشر گردید . در این
آثر " عده بزرگ در ریز یک ملاقه شیر را به چند سطل آب قلی آلود در هم آمیخته
مده است و به مختاران اتمام در برگونی به حزب دوده ایران عرضه داشته شده است .
میان گذشته در این گروه با ، تا آنجا که سن تا گذرن آشنائی پیدا کرده ام گذشته یک
مزاربان و داندگان در حزب دوده ایران بیشترین سوره وادار میباشند . این دسته
در گذشته در مستقیم از حزب در سال ۱۳۲۶ به رهبری جناب علی آغا زار به گذشته افراد
داشتند که می زیر نام " گذشته چراغ راه آینده " و سب از آن به گذشته ای " زبردن
کت درز " (من ستم می کنم) ، خاطرات اربع استغذری " ، خاطرات آرز خنده ای " و چند
آثر دیگر دنبال شده و به " گور راهبه " احسانی جلیری و گذشته ای شهیدی پر توی پایان
می پذیرد . ولی البته این باین فعلی نیست . این روند با بزرگ دنیا له خواهد داشت .
در گذشته ای که به خوانندگان گرامی تقدیم میباشم تا اندازه ای به دردی با و آنهاست
تا بعد از خواندن در کتب ای این آثار " بویخ داده شده است . اما به درین سبب نیست